

## نقش امام علی (ع)

## در تاسیس معارف الهی

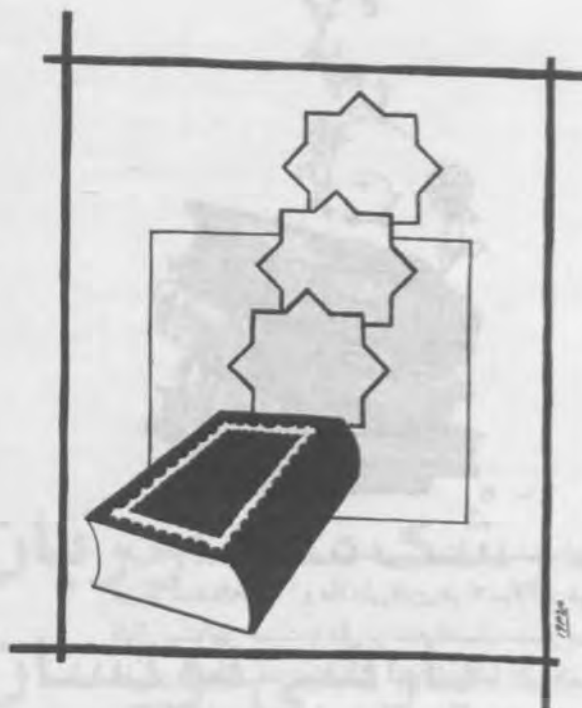
غلامرضا جلالی

امام علی از پایه گذاران فرهنگ و مدنیت اسلامی است و بدون تردید چنان که این ندیم می گوید، او را می توان از بزرگترین معجزات پیامبر دانست که با جامعیت خود همه ابعاد انسان ساز اسلام را در خود به نمایش گذاشته است و همین امر موجب شده است تا بسیاری از عقول در فهم ابعاد وجودی و سطح دانش او به تحیر بیفتند و او را خدای مجسم بدانند و یا سب او دست بیازند. بی کرانه بودن شخصیت امام متقیان است که انسانهای مفرط و مفرط را به این نوسان عظیم در حیطه داوری دچار می کند.

یکی از ابعاد وجودی امام (ع) که کمتر در این روزها مورد کندی و کاو قرار می گیرد و در عین حال در منابع و متون علمی و فرهنگی گذشته بسیار مورد توجه بوده است، خدمات علمی امام به معارف و دانشهای اسلامی و الهی است بخصوص نقشی که امام (ع) در تأسیس برخی دانشها داشته است. ما با توجه به تنگنای زمانی و نبود فرصتها بخشی از معارف الهی که تأسیس آنها به امیرالمؤمنین (ع) نسبت داده شده است با بهره گیری از چند منبع کهن و اولیه مورد بررسی قرار داده ایم. باشد تا در مجال مناسبی به صورت کاملتر این پژوهش تکمیل شود.

### ۱ - پایه گذاری علوم قرآنی :

۱ - امام علی (ع) پایه گذار علوم قرآنی است. قرآن برای نخستین بار به وسیله او گردآوری شد. ابن ندیم از ابن منادی و او از حسن بن عباس نقل می کند که عبدخیر از علی (ع) شنیده است، موقع ارتحال پیامبر در مردم حالت بدبینی مشاهده



شد، از این رو امام علی سوگند یاد کرد که جامه از تن برنگیرد مگر پس از جمع آوری قرآن و سه روز در خانه نشست و از حافظه خود تمام قرآن را نوشت و آن قرآن در خاندان جعفر نگاهداری می شد و این ندیم می گوید، من نزد ابویعلی حمزه حسنی قرآنی به خط علی بن ابیطالب (ع) دیدم که چندورقی افتاده داشت و آن قرآن در خاندان حسن به توارث مانده بود.<sup>۱</sup>

پایه گذاری علم قرائت نیز به امام علی (ع) نسبت داده شده است. ابویعلی حسن بن داود معروف به نقار قاری که از قریشیان و از مردم کوفه بود، نزد ابومحمد قاسم معروف به خیاط با قرائت آشنا شد و خیاط از میرشمولی و او از اعشی و اعشی از ابوبکر و او از عاصم و او از ابوعبدالرحمن سلمی و او از علی (ع) و او از پیامبر (ص) علم قرائت را آموخت. ابن ندیم نقل می کند: ابویعلی حروف را چون امام علی (ع) قرائت می کرد و کسانی قرائت را از جمله از ابویعلی فرا گرفت.<sup>۲</sup>

امام علی به تفسیر قرآن می پرداخت و به نقل ثابت بن سيار، ابوحمزه ثمالی که کتاب التفسیر نوشت، از پیروان امام علی (ع) بود.<sup>۳</sup>

## ۲ - تأسیس علم نحو :

محمد بن اسحاق ابن ندیم به نقل از بسیاری از علما می گوید ابواسود دولی نحو را از امیرالمؤمنین علی (ع) فرا گرفت<sup>۴</sup> و می نویسد نحو را از آن جهت نحو می خوانند که وقتی علی (ع) چیزی از اصول آن را به ابواسود دولی آموخت، او اجازه خواست که چیزی مانند آن بسازد و از این جهت آن را نحو نامیدند.

ابواسود نحو را از علی (ع) آموخت ولی آنچه را که فرا گرفته بود، به کسی نیاموخت تا آنکه زیاد بن ابیه او را پیام فرستاد که چیزی بسازد که راهنمای مردم به معرفت قرآن باشد ولی او نپذیرفت تا اینکه شنید کسی قرآن را به خط می خواند، با خود گفت گمان نداشتم کار مردم به اینجا کشیده شود و نزد زیاد رفت و گفت، من حاضر آنجه را که خواسته ام انجام دهم، یک نویسنده تیزهوشی لازم است تا به گفته من عمل نماید. برای وی نویسنده های از عبدالقیس آوردند، او را پسند نکرد. دیگری را آوردند که به قول ابوالعباس میرد، او نیز از عبدالقیس بود. ابواسود او را گفت، اگر دیدی دهانم را بر حرفی گشودم، یک نقطه روی آن حرف بگذار، و اگر دیدی دهانم را بستم، یک نقطه کنار آن بگذار، و اگر کسره دادم، دو نقطه بگذار و اینها را نقطه های ابواسود نامیدند.<sup>۵</sup>

## ۳ - تأسیس کلام :

ابن ندیم می نویسد، به خط ابوعبدالله بن عبدوس متنی را خواندم که نوشته بود ابوهدیل علاف، عدل و توحید را از عثمان طویل آموخت و از او نقل کرد که آن را از واصل بن عطا آموخته و واصل آن را از هاشم بن عبدالله بن محمد بن حنفیه و عبدالله نیز

از پدرش محمد بن حنفیه آموخت و محمد به او گفته بود که آن را از پدرش علی و پدرش از رسول خدا آموخته است.<sup>۶</sup> امام علی اولین فردی است که رد و نقد مذاهب منحرف را به عهده گرفت<sup>۷</sup> و در برابر شیوع مذهب قدریه ایستاد.<sup>۸</sup> ابن ندیم اولین سختگوی مذهب امامیه را علی بن اسماعیل بن میثم تمار می داند که از بزرگان اصحاب علی (ع) بوده است و کتاب الامه و کتاب الاستحقاق از آثار کلامی اوست.<sup>۹</sup>

## ۴ - پایه گذاری علوم غریبه :

از بعضی گفتار حضرت علی (ع) که نقل شده است، هویدا است علمی که بعدها به نام هومس شهرت یافت، در همان آغاز در جهان یعنی تشیع مطرح شده است، تنظیم و تدوین علم تمثیل در رموز عددی حروف با علم جفر را که نظیر آن نزد فیثاغوریان قدیم و پیروان مکتب کابال Kabbale در مغرب زمین وجود داشته است، در عالم اسلامی به حضرت علی (ع) نسبت داده اند.<sup>۱۰</sup> این علم سهم مهمی در بیان عقاید بعضی از طرق تصوف و برخی از مکاتب شیعه داشته و اساس تأویل بعضی از آیات قرآن است.

## ۵ - انتساب عرفان و تصوف به امام علی (ع) :

اهل عرفان و تصوف از راه داود طایی، حبیب عجمی و حسن بصری و نیز از راه معروف کرخی و امام رضا (ع) خود را منسوب به امام علی (ع) می دانند ولی در نسبت صحبت حسن بصری با علی بن ابیطالب (ع) و پوشیدن خرقة از دست علی (ع) بین صاحب نظران خلاف است. حتی بعضی از دانایان او را مخالف علی (ع) دانسته اند و روایتی نیز نقل می کنند که در جنگ جمل



برداشت و فرمود: هذّه الحقیقه و در قدح ریخت و به علی (ع) داد تا بیاشامد. فرمود انت رفیقی و انا رفیق جبرئیل و جبرئیل رفیق الله و میان او در بست و ازار در او پوشانید و فرمود: اکملتک یا علی بعد از آن سلمان را فرمود تا قدح از دست علی بیاشامد و حذیفه یمانی را فرمود از دست سلمان بیاشامد.

بنیاد طریقت را فتیان از این رویداد گرفته‌اند و میان می‌بندند و سراویل می‌پوشانند و قدح می‌دهند و هریک را آنها دارای رمزی می‌دانند. شرب قدح اشاره به علم نظری است و نمک اشاره به عدالت است که تمامت قضایل به آن امکان‌پذیر شود. بستن میان اشاره به استخدام نفس و ستر عورت و منع نفس از شهوات است.<sup>۲۱</sup>

در روش فتوت اخی جانشین شیخ و قطب است و به جای خرقة که شعار صوفیان است، فتیان و جوانمردان سراویل را شعار خود کرده و هریک خود را کمر بسته‌پسری می‌دانستند و منظور آنها از فتی حضرت علی بود<sup>۲۲</sup> که کمر چهار خلیفه را بست و هریک را به ولایتی فرستاد. سلمان فارسی مأمور مداین و داود مصری مصر و سهیل رومی مأمور روم و ابوالحسن تقی مأمور یمن و سند شد.<sup>۲۳</sup>

#### پی‌نوشت‌ها :

- ۱- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ترجمه محمد رضا نجدد، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶، ص ۴۷.
- ۲- همان، ص ۵۷.
- ۳- همان، ص ۵۲.
- ۴- همان، ص ۵۹.
- ۵- همان، ص ۶۹.
- ۶- همان، صص ۷۰-۶۹.
- ۷- همان، ص ۲۹۱.
- ۸- مدرسی، محمد تقی، العرفان الاسلامی، ص ۵۶.
- ۹- توری، کلمه طینه.
- ۱۰- ابن ندیم، ص ۲۲۷.
- ۱۱- نصر، سید حسین، متفکران اسلامی درباره طبیعت، ص ۸۶.
- ۱۲- کشف‌الخفاء، ۲، ص ۱۳۷.
- ۱۳- الاسرار المرفوعه، ص ۲۷۲.
- ۱۴- طرائق‌الحقایق، ۲، ص ۷۲.
- ۱۵- نظر متفکران اسلامی درباره طیف، ص ۲۷۲.
- ۱۶- همان، ص ۴۱۲.
- ۱۷- ر.ک: العرفان الاسلامی، علامه سید محمد تقی مدرس.
- ۱۸- کتاب‌الادب و المروءة، صالح بن جناح، ص ۲۴۱.
- ۱۹- ر.ک: تحفة‌الاحوان فی خصائص الفتیان، کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی.
- ۲۰- همان، ص ۵۱.
- ۲۱- کتاب‌الادب و المروءة، صالح بن جناح، ترجمه دکتر سید محمد دامادی، ص ۱۶۶.
- ۲۲- همان، ص ۲۳۰.
- ۲۳- همان، ص ۲۳۳.

علی (ع) را بر ریختن خون مردمان سرزنش کرده‌است. عجلونی نیز در کشف‌الخفاء<sup>۱۲</sup> و مآل‌علی قاری در الاسرار المرفوعه<sup>۱۳</sup> اقوال پیشوایان حدیث را دال بر عدم انتساب حسن بصری به علی بن ابیطالب (ع) به تفصیل آورده‌اند اما نایب‌الصدر در طرائق‌الحقایق<sup>۱۴</sup> پس از بیان این نظریه موافقین و مخالفین نسبت صحبت و خرقة حسن بصری با علی بن ابیطالب (ع)، خود موافق با اتصال حسن بصری به علی (ع) می‌باشد، و احمد بن محمد الصدیق در کتاب البرهان الجلی فی تحقیق انتساب الصوفیه الی علی، پس از آنکه نظریه ابن‌خلدون و ابن‌تیمیه را در این مورد رد می‌کند، احادیثی دال بر انتساب حسن بصری به علی (ع) را به تفصیل ذکر می‌کند و بعضی از مفسران بعدی «هادی» کتاب «حی بن یقظان» شیخ ابوعلی سینا را حضرت علی (ع) می‌دانند و تعالیم شیخ‌الرئیس را از مآخذ حکمت‌اشراقی و عرفانی علوی شمرده‌اند<sup>۱۵</sup> و بر این باورند که سفر عارف در حی بن یقظان بعد از ملاقات با ملک‌هادی یا آن راهنمایی که امام علی (ع) باشد، آغاز می‌شود.<sup>۱۶</sup>

با این حال تعدادی از محققین شیعی ریشه‌های تصوف را در مفهوم افراطی آن در تمدن ایرانی و هندی جستجو می‌کنند و انتساب آن به امام علی و پیشوایان دیگر شیعه را قبول ندارند.<sup>۱۷</sup> چنان‌که صوفیه حضرت علی را سرچلقه اولیای قریقین و مقتدای همه سلاسل صوفیه دانسته‌اند، اهل فتوت نیز او را پیشوای جوانمردان عالم دانسته‌اند و سند سراویل فتوت را به امیرالمؤمنین می‌رسانند<sup>۱۸</sup> و کتابهای ارباب فتوت مشمول از سخنان امام علی (ع) است.<sup>۱۹</sup> آنها اصول مفهوم فتوت را از سخن مشهور پیامبر در خصوص مولای متقیان یعنی «لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار» گرفته‌اند و او را قطب فتوت می‌دانند.<sup>۲۰</sup> در ماجرای که علی (ع) از سوی پیامبر مأموریت یافت تا خانه یکی را تفتیش کند و گزارش آن را به پیامبر برساند، او با چشمان بسته به آن خانه وارد شد، برگشت و گفت: «من هیچ چیز و هیچ کس را ندیدم». پیامبر فرمود: «انت فتی هذّه الامه یا علی» بعد از آن قدحی آب و پاره‌ای نمک خواست و کفی از آن نمک برداشت و فرمود: «هذّه الشریعه» و در قدح ریخت و کفی دیگر